

کورهای بینا واقعاً وجود دارند! افرادی هستند که می‌توانند بدون داشتن بینایی و یا با چشمان بسته همانند من و شما ببینند! در ژانویه ۱۹۶۰، شبکه تلویزیونی NBC در یکی از قسمتهای برنامه خود به نام " این مردم عجیب " دختری شانزده و یا هفده ساله به نام مارگارت فوس را نشان داد. این دختر ادعا می‌کرد که می‌تواند با چشمان بسته بخوبی ببیند.

مجری برنامه بروی چشمان او دو تکه پنبه بزرگ قرار داد و سپس آنها را بست. آنوقت دوشیزه فوس قسمتهایی از چند کتاب مختلف را خواند، رنگ چند عکس را به درستی تشخیص داد و در نهایت یک دست چکر نیز با مجری بازی کرد. البته شعبده‌بازان حرفه‌ای که برنامه این فرد را دیده بودند که او از حقه قدیمی فهماندن مطلب به وسیله آهنگ استفاده می‌کرد اما به هر حال آن دختر به نام دختری با چشمای اشعه X معروف شد.

یکی از نمونه‌های معتبر و مستند افراد بینا با چشمان بسته به سال ۱۸۷۲ برمی‌گردد. در شهر Graz در استرالیا پسر آهنگری به نام آلواس برگل در سن ۹ سالگی بینایی خود را در کارگاه پدرش از دست داد و آنگاه پدرش تصمیم به تقویت حس ششم پسرش گرفت.

البته آن پسر پس از گذشت یازده سال، درست همانطور که ناگهانی بینایش را از دست داده دوباره بینا شد و به نظر می‌رسید که بینایی او بیشتر جنبه روانی داشته است.

آلوس چند روز بعد از بینا شده برای معاینه نزد دکتر گرووایلر Grohweiler رفت و دکتر در نهایت حیرت و ناباوری متوجه شد که آن پسر می‌تواند با چشمان بسته هم به راحتی ببیند. او نمی‌تواند که از پسر بخواهد برایش بخواند چون بعد از چند سال نابینایی او خواندن بلد نبود اما او توانست از آزمایش رنگها و شمارش اعداد به راحتی بر بیاید. دکتر در خاطراتش نوشته که من از او سوالات زیادی کردم اما او فردی عامی بود و قدرت بیان چندانی نداشت و از آن گذشته خودش هم نمی‌دانست چگونه می‌بیند. و همچنین برای این توضیحی نداشت که چرا در یک روز برای دیدن یک شی ان را لمس می‌کرد اما در روز بعد همان شرایط احتیاجی به این کار نبود.

متأسفانه برگل، در سال بعد بر اثر ابتلا به سل درگذشت و آزمایشات دکتر هم چنان جنبه علمی نداشته و او تنها سلیقه شخصی خود را در آزمایشات به کار برده است.

مشهورترین نمونه کور بینا قرن گذشته یک مرد کشمیری به نام کودا بوکس (Kuda Bux) (1906 – 1981) بود. قدرت او ابتدا در سال ۱۹۳۴ در لندن توسط مشخص کردن رنگ چراغ‌های روی یک تابلو آزمایش شد. بروی این آزمایش تیمی از مجرب‌ترین پزشکان بیمارستان بتلهم نظارت داشتند.

کارهایی که بعد کودا بوکس انجام داد موجب تحیر بسیاری از دانشمندان شد. در یکی از نمایشها او به همراه چند تن از پزشکان و خبرنگاران به بیمارستانی رفت و از پزشک مسئول آنجا خواست چشمان او را ببندد. دکتر قبول کرد. او ابتدا روی چشمان کودا بوکس دو تکه پنبه بزرگ گذاشت و سپس روی آنها را با خمیر پوشاند و روی خمیرها هم دو تکه پارچه پشمی کلفت گذاشت و در نهایت هم با سه توپ باند چشمان و بخشی از صورت او را بست. کودا بوکس بعد از تشکر از دکتر!! بدون کمک دیگران اتاق را ترک کرد و وارد سرسرای بیمارستان شد. سپس از پله ها پایین رفت و با دوچرخه ای که قبلاً آنجا گذاشته بودند در حالیکه کلیه قوانین راهنمایی و رانندگی را هم رعایت می کرد، به خانه برگشت. در پشت دوچرخه او این تابلو قرار داده شده بود. " کودا بوکس، مردی که برای دیدن احتیاجی به چشم ندارد. امشب، ساعت هفت و نیم در تئاتر هیپودروم "

در یازدهم سپتامبر ۱۹۳۷، او نمایش را در لیورپول اجرا کرد که مو بر اندام راست کرد. او با چشمانی بسته بروی لبه پشت بام ساختمانی به ارتفاع ۶۰ متر، به سرعت حرکت می کرد!! این کار به قدری خطرناک بود که کوچکترین خطایی در گام برداشتن باعث سقوط و مرگ او می شد.

از او پرسیدند در مورد این نیروی غیرعادی در بدن خود توضیح دهد. او با درماندگی گفت: " خودم هم نمیدانم، تنها چیزی که میتوانم بگویم این است که این نیرو از مغز من سرچشمه میگیرد. انگار با چشم مغز می بینم ... با نیروی تمرکز فوق العاده ام بروی اشیا "

ضمناً کودا بوکس اظهار کرد که او علم تمرکز از اشیا را از یکی از پیشوایان مذهب هندو یا گرفته و برای تقویت این نیرو در خود به مدت دو سال و نیم، ساعتها می نشست و به صورت برادرش خیره می شد. او بعد از تمرینات سخت و مداوم، پس از مدت ده سال سرانجام توانست به قدرت دیدن بدون چشم برسد! ( واقعاً پشتکار خوبی داشته ! ).